

ادامه از صفحه اول

خیابان مصدق و باقی قضایا

این نوع نگاه و رفتار، نشانه یک کژتابی ژرف در رویکرد حاکمان به سرزمینی است که در دوره‌ای به صورت موقت بر آن حاکم شده‌اند. به زبان دیگر، آنان با کشور نه به‌عنوان امانتی برای اداره بلکه به شکل ملک شخصی و مسلوب‌الاراده نگاه و شبیه کنسی رفتار کرده‌اند که با هزینه شخصی مثلا به ساخت مدرسه، بیمارستان و ... همت گماشته و طبیعتا نام خود را بر آن می‌گذارند. سنت آمیختن نام‌گذاری مکان‌ها به ملاحظات سیاسی، تا امروز ما نیز امتداد و نمود داشته است. برای نمونه در ابتدای انقلاب، نام شهر زادگاه من، به دلیلی که هرگز برای ساکنانش توجیه و پذیرفته نشد، از کرمانشاه به باختران تغییر کرد. این نام‌گذاری به چالش و دغدغه‌ای بزرگ برای مردمان آن دیار تبدیل شد و در میانه دهه ۷۰ سرانجام کار به قانون‌گذاری در مجلس کشید و نمایندگان برای بازگرداندن نام طبیعی و تاریخی که شهر به مردمانش، ناچار به قیام و قعود شدند.

در همان شهر زادگاهم، میدانی هست که اهالی، چه پیش و چه پس از انقلاب، هرگز آن را با تابلویی که بر آن نصب شده نشناخته‌اند. پیش از انقلاب، نام رسمی این میدان که اکنون یکی از میدان‌های بسیار مهم و پررفت‌وآمد شهر به‌شمار می‌رود، چیز دیگری بود و اکنون نام دیگری بر تابلوی آن نوشته شده است. با این وجود، اگر به راننده تاکسی نگویی می‌خواهم به میدان «مصدق» بروم، بعید است ملتفت شود. مقصد کجاست، همان‌طور که در پایتخت نیز کمتر کسی است که میدان‌های «آزادی»، «انقلاب» و «امام حسین» را با نام‌های پیش از انقلاب خود تصور یا صدا کند.

شگفتی اینجاست که با وجود خروار خروار تجربه تاریخی که همگان پیش چشم داریم، باز هم آرموده را دوباره آزمون می‌کنیم. مهم نیست که این کار با نیت خیر انجام شده باشد. باز هم مهم نیست که شخصیتی که نامش را بر جایی می‌گذاریم که مردم با نام پشیمان آن آخت شده‌اند، چقدر منحرف بوده یا خدمت به ملک و ملت در کارنامه دارد. پیش‌تر، نام بزرگراه «نیایش» را به «هاشمی‌فرسنجانی» تغییر دادیم و اکنون سپس از کش‌وقوس‌های فراوان و مانورهای رسانه‌ای بسیار، از «کارگر» گذشتیم و تابلوی خیابان «نفت» را پایین می‌کشیم تا به خیال خود به پیشوا نهضت ملی ایران ادای دین کرده باشیم.

آیا بهتر نبود نام هاشمی‌فرسنجانی را بر بزرگراهی می‌گذاشتیم که تازه ساخته شده یا خواهد شد و خلائق را به زحمت انطباق‌ناداشتن نام «حقیقی» و نام «حقوقی» نمی‌انداختیم؟ و نیز بهتر نبود به‌جای زدن تابلوی «مصدق» بر یکی از خیابان‌های فرعی پایتخت، قفل فروبسته مزار آن بزرگمرد را می‌شکستیم؟ از عمل به وصیت او و انتقال پیکرش به جوار شهیدان قیام سی‌تیر درمی‌گذرم که چنین نگاهی در منتخبان خود در شورای شهر تهران سراغ ندارم.

جفا به اهل علم و فرهنگ

این روزها باز هم شاهد ادامه همان تفکر و همان مدیریت‌های پیشین در حوزه دانش، دانشگاه و فرهنگ هستیم. اگرچه مقام عالی کشور خود را از آنها بری می‌داند، اما احتیالاً به دلیل گرفتاری‌های مستقیم فرهنگی و شاید به‌خاطر مشکلات اقتصادی، عرصه فکر و فرهنگ در برنامه‌های رئیس‌جمهور نیز عملا رها شده است.اگر آن روز تلاش‌های آقای دکتر حسن حبیبی و بسیاری دیگر کنار گذاشته شد و ایشان ترجیح داد که پس از آن در گوشه‌ای به کار پژوهش و تحقیق و ساماندهی موزه امیرکبیر پردارد؛ موزه‌ای که دیگر چندان نام و بادی از آن نیست، امروز هم بزرگان دیگری در معرض این تهاجمات قرار گرفته‌اند. شاید آقای دکتر رضا داوری یکی از شاخص‌ترین آنها باشد. ایشان هم– مانند آقای دکتر حبیبی– تقریبا در همه سال‌های پس از انقلاب نماینده امام و رهبری در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بوده‌اند. این متفکر پیش‌کسوت به مدت دودهمه ریاست فرهنگستان علوم را برعهده داشته‌اند و بیش از نیم‌قرن نیز سابقه معلمی و استادی دارند. اصل بدبینی به ایشان، ناشی از اظهارنظری علمی است درباره علوم انسانی اسلامی و این‌واقع در زمانه‌ای که این‌همه از علم، علم‌اندوزی و علم‌دوستی می‌گویند غیرقابل فهم است. نام این قبیله مدیران بر جلد بسیاری از کتاب‌ها می‌آید، ولی همه جامعه علمی کشور به واقعیت مسئله وقوف دارند و از این‌رو آن‌همه آثار و تالیفات کثیره و عدیده آنها منشأ اثر نمی‌شود، ولی یک یادداشت فلسفی توفانی بها می‌کند. بیخود نیست که در آن دولتی هم که بیش از همه دولت‌ها داعیه دین و دینداری و ایران‌دوستی داشت، به‌احترای نام یک معلم را از قدیمی‌ترین مرکز آموزش عالی کشور، که در صد سال گذشته تداوم داشت، برداشتند و صدایی هم درنیامد.

دنبال بازگرداندن جایگاه مجلس

همچنین نیروهای جدید و جوان‌تر حزبی آنان نیز به این دلیل که سراج فرصت‌طلب پرسروصدا با تشکیلات خلاق‌الساعه انتخاباتی به آنها تریب داده شده‌اند، فرصت حضور در انتخابات را از دست داده‌اند. به نظر می‌رسد عغلا‌ی کشور و تصمیم‌سازان حتما باید برای حفظ جایگاه دولت و مجلس، نسبت به بازنگری در نظام انتخاباتی کشور تجدیدنظر کنند. مردم شاهد و ناظر این اتفاقات هستند و با رشد جامعه ارتباطی، نمی‌توان مانع بدبینی آنها به سطح کیفی مجالس، شوراها و... شد.

وزیر نیرو در واکنش به اعتراضات گسترده کشاورزان در شرق اصفهان، برنامه وزارتخانه‌اش را تشریح کرد

پول به جای آب

بر اساس اولین مصوبه کارگروه ملی سازگاری با خشک‌سالی، بخش صنعت ۵۰۰ میلیارد تومان به اجرای برنامه‌های افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی پرداخت می‌کند

لیلا مرگن: حدود یک ماه از اعتراضات گسترده کشاورزان شرق اصفهان می‌گذرد. کشاورزان ورز نه‌ای که اعتراضات خود را به آرامی پیش می‌بردند، در روزهای اخیر به خط لوله انتقال آب اصفهان به یزد هم حمله کردند و این درگیری‌ها، متأسفانه گسترش پیدا کرد. اگرچه آنها تصور می‌کنند که صدایشان به جایی نمی‌رسد اما رضا اردکانیان، وزیر نیرو، با وجود آنکه بیش از پنج ماه از حضورش در این وزارتخانه نمی‌گذرد، به‌سرعت به فکر تأمین آب پایدار در ریگی از پرتنش‌ترین حوضه‌های آبریز کشور افتاد. او در نخستین جلسه کارگروه ملی تازه‌تأسیس سازگاری با کم‌آبی، تلاش کرد تا منازعات پیش‌آمده در شرق اصفهان را مدیریت کند. اردکانیان که به خوبی می‌داند آب می‌تواند دستمایه اختلافات سیاسی و تنازعات جدی شود، نخستین پرسش «شرق» درباره خواست کشاورزان شرق اصفهان برای اجرای مصوبه ۹ ماده‌ای شورای عالی آب را با طرح چندین سؤال از خبرنگار «شرق» پاسخ داد. او بر این باور است که در بخش آب نباید همه دادستان باشند، به طوری که متهم کم‌بایوریم، بلکه باید با تشریک مساعی مسائل را حل کنیم. وزیر نیرو بر این باور است که در مواقع بروز خشک‌سالی باید همه بخش‌ها تبعات این مسئله و کاهش حقایه را تحمل کنند، اما اگر به هر دلیل، یک بخش نمی‌تواند این تبعات را بپذیرد، بدون شک باید از سهم آب بخش‌های دیگر کم شود تا نیازهای این بخش تأمین شود. بنابرین، بخشی که در کاهش حقایه‌ها مشارکت نمی‌کند باید هزینه‌های اقتصادی ناشی از فشار به دیگر بخش‌ها را بجران کند. به گفته وزیر نیرو در نخستین جلسه کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی، تصویب شده است که ۱۵ تا ۱۶ صنعت پرآبربر اصفهان به نسبت سهمی که در مصرف آب دارند، از محل سودهای خود، مالیاتی را برای اجرای پروژه‌های کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی حوضه آبریز زاینده‌رود و جبران خسارات وارده به کشاورزان شرق اصفهان پرداخت کنند که نخستین قسمت این اعتبارات، به حساب استانداری اصفهان واریز شده است.
مشروح گفت‌وگو با رضا اردکانیان در ادامه می‌آید:

✎ کشاورزان شرق اصفهان خواستار اجرای مصوبه ۹ ماده‌ای شورای عالی آب هستند. چرا این مصوبه اجرایی نشد؟

✎ در جلسه دهم شورای عالی آب ۹ ماده مصوب شده است، من این مصوبه را ندیده‌ام و روی سایت وزارت نیرو نیست. دوستانی که از مصوبات اطلاع دارند، می‌گویند قرار بوده است که در مواقع خشک‌سالی همه خسارات را بخش کشاورزی تحمل نکند. صرفه‌جویی‌هایی قرار بود در حوضه آبریز زاینده‌رود رخ دهد و هیچ‌کدام انجام نشده است و کشاورزان معتقدند باز هم به محض عدم بارش باران، فشار به کشاورزان اصفهانی وارد می‌شود. چرا این مصوبات اجرایی نشده است؟

به نظر شما با توجه به مسئولیتی که دارید و در تماس با ما دستگاه‌ها هستند، چه عاملی باعث می‌شود که به این مسائل عمل نشود. دلیل اجرانشدن چنین مکانیسم‌ها و راه‌حل‌هایی چیست.

✎ دلیل اجرانشدن این است که دستگاه‌ها همکاری نکرده‌اند.

خب چرا همکاری نکرده‌اند؟

نمی‌دانم.

واقعاً نمی‌دانید؟

✎ چون از آمار بازگاری‌ها و غیره اطلاعات کافی در اختیار ندارم، نمی‌دانم چرا دستگاه‌ها برای اجرای مصوبات همکاری نکرده‌اند.

بحث آمار بازگاری نیست. اصل همکاری کردن یا

نکردن ریشه‌اش چیست؟

✎ احتمالا با طرح مناسب نداریم یا بازگاری بیش از حد انجام داده‌ام. اتفاقاتی رخ داده که منجر شده است نتوانند مصوبات ۹ ماده‌ای را انجام دهند.

اما مسئله اینجاست که وقتی ما توان اجرای این مصوبات را نداریم، برای چه مصوبشان می‌کنیم؟

هیچ‌کس به‌خصوص کسانی که چنین فرایندهایی را

تصویب می‌کنند، بنایشان بر عدم انجام نیست منتها در عمل اتفاقی که می‌افتد، این است که طبیعت موضوع آب و ذات آن که یک مقوله چندضابطه و میان‌بخشی است، اما در عمل خیلی به این مسئله توجه نمی‌شود. دستگاه‌ها فکر می‌کنند اگر کماکان در محدوده وظایف و اختیارات قانونی خود بایستند، می‌توان مسئله‌ای را حل کرد. ممکن است مسائلی را بشود با این شیوه حل کرد، اما مسئله آب از این‌گونه مسائل نیست. اگر در جایی از دنیا مسائل مربوط به آب حل شده است، جاهایی بوده که ماهیت میان‌بخشی آب را به رسمیت شناخته‌اند.

✎ در ایران میان‌بخشی‌بودن آب به رسمیت شناخته شده است؟

بحث این لحظه نیست که عده‌ای بنشینند و امضا کنند که ما این مناسبات را به رسمیت شناختیم. باید سازوکارها فراهم شود. باید سطح مفاهمه بالا برود. مسئله آب یک مسئله واحد تعریف شود. باید احساس مسئولیت مشترک درک شود. باید، لیست نیاید تنظیم شود، یعنی قبل از اینکه بگویم چه‌کار باید کنیم، لیست کارهایی که نباید بکنیم، بنایان می‌شود. یکی از کارهایی که نباید بکنیم، این است که نباید فکر کنیم می‌شود مسئله آب را تقسیم کرد و هر دستگاهی خود را مسئول یک قسمتی از آن بداند و به آن برپرداز. در آخر کار هم فکر کند مسئله حل می‌شود. این جز، نیاید‌هاست. ما با همین ذهنیت فکتم که در کشوری خشک و نیمه خشک قرار داریم، کشور سالی و کم‌آبی هم یک حادثه غیرمترقبه

نیست. یک واقعیت مستمر است. وزارت نیرو به حکم قانون مسئولیت‌هایی دارد. مسئول تخصیص آب است. این مسئله به این معنا نیست که وزارت نیرو متولی تمامیت موضوع آب است. وزارت نیرو متولی این است که مسئله آب را یک مسئله همگانی کند. تقریبا باید مثل یک دبیرخانه عمل کند. سازمان ملل که همه دنیا آن را به همین نام می‌شناسند، چیزی بیشتر از یک دبیرخانه نیست. به همین دلیل رئیس این سازمان، اسمش دبیر کل است. یعنی مسئول دبیرخانه است. حال ممکن است تلقی ما از دبیرخانه یک دفتر ایندکتایو ثبت ورود و خروج نامه باشد، این مشکل ماست اما مسائل مهم‌تر این است که ماهیت میان‌بخشی یا چندضابطه دارند، نیاز به دستگاهی دارند که کارهای مرتبط با این مسائل را هماهنگ کند. در موضوع آب در کشور ما وزارت نیرو به‌ویژه در دوره‌ای که مدیریت مصرف و تقاضا، محور کارش است، باید در قامت یک دبیرخانه ظاهر شود. یک دبیرخانه با همه ارباب و رجوع‌ها،تشریک مساعی می‌کند. برنامه ما این است و می‌خواهیم آن را پیاده کنیم. قوانین را هم نمی‌خواهیم به هم بزنیم. وظایف ذاتی دستگاه، محترم و اختیارات آنها هم محترم است. وقتی می‌گویم ذی‌نفعان به این معنا نیست که هر سازمانی نفع‌های خود را بیاورد و بگوید با این دورمیزنشتن، چه بخشی از نفع‌های من تأمین می‌شود. ذی‌نفعان به این مفهوم نیست.

✎ ذی‌نفعان باید در ضررها هم مشارکت داشته باشند؟

خیر این هم نیست. ذی‌نفعان یعنی نفع‌های خود را داشته باشید و دور هم بنشینیم و نفع مشترک جدید تعریف کنیم. بعد اگر موقعیت جدید را نتوانستیم تعریف کنیم، همه در این موقعیت جدید ذی‌نفع خواهیم بود. یعنی اینکه بگویم در کشور ما چگونه می‌شود با آب موجود غذا تولید کرد، آب شرب را تأمین کرد، صنعت موجه را آب داد، نیازهای محیط‌زیستی را جواب داد، یک نفع مشترک تعریف کرده‌ایم. در چنین شرایطی وزارت جهاد کشاورزی نمی‌تواند بگوید محیط

زیست به من ربطی ندارد. صنعت نمی‌تواند بگوید که محیط زیست یا تولید مواد غذایی به من ربطی ندارد. ما مسئول صنعت هستیم و من باید نفعم تأمین آب برای صنعت باشد. باید از این زاویه وارد شده و به مسائل توجه کنم. ما برای اینکه این گفت‌مان را در سطح جامعه شکل دهیم، باید اول از دولت شروع کنیم. بعد بیرون دولت با قوای دیگر رایزنی کنیم و در نهایت با اصلی‌ترین بازیگر این صحنه یعنی مصرف‌کننده، باید کار کنیم.

در داخل دولت پنج تا شش دستگاه درگیر مسئله آب هستند. وزارت نیرو، جهاد کشاورزی، صنعت و معدن، محیط زیست و برنامه و بودجه به لحاظ مسئولیت در برنامه‌ریزی در داخل دولت با مسئله آب درگیر هستند. ما یک بازیگر جدید مهم هم به این بازی اضافه کردیم. این بازیگر اینکه کشور است، به‌لحاظ اینکه این مجموعه نخ تسبیح استانداری‌هاست و اصلی‌ترین میدان کار دست استانداران است. ساختمان‌های ستادی که نه تولید مواد غذایی می‌کنند و نه صنعت آنها نیاز به آب دارد، اما مجموعه اتفاقات در جغرافیای تحت مدیریت آنها یعنی استان شکل می‌گیرد. ما تلاش کردیم فصل مشترک دستگاه‌ها که توب موضوع آب پیدا کرده و به آن شکل دهیم. کارگروهی را شکل دادیم. اسم این کارگروه را هم نگذاشیم ستاد مقابله با بحران خشک‌سالی زیرا لغت بحران و خشک‌سالی هر دو یک مفهوم موقت هستند. زمین می‌لرزد، زلزله می‌شود، همه هراسان می‌شویم و در شرایط بحرانی قرار می‌گیریم. می‌پذیریم که بحران است و نمی‌توانیم آرایش قبلی را

داشته باشیم.

ممکن است مجبور باشیم در خیابان یا چادر زندگی کنیم، اما می‌دانیم همه اینها موقتی است. انتظار ما این است که از حالت موقت خارج شویم. کم‌آبی حالت موقتی نیست. به همین خاطر اسم این کارگروه را به‌جای اینکه کارگروه مقابله با خشک‌سالی گذاشتیم، کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی گذاشتیم. این کارگروه را به تصویب دولت رساندیم. ۱۲ اسفند این تصویب‌نامه امضا شد. به‌عنوان یک رکورد، ۱۳ اسفند اولین جلسه کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی را با حضور همه اعضای اصلی به‌جز وزیر صنعت که در عراق بود، تشکیل دادیم. موضوع جلسه نیز مربوط به اصفهان بود.

✎ ۱۷ دستگاه در موضوع آب به نحوی دخیل

اقتصاد



وزیر نیرو

هستند؛ همه این ۱۷ دستگاه در جلسه حضور داشتند؟

خیر؛ همان شش دستگاهی که اعلام کردم. در این جلسه حضور پیدا کردند. وزارتخانه‌های نیرو، کشاورزی، کشور و صنعت و سازمان‌های حفاظت از محیط زیست و برنامه‌بودجه در این جلسه حضور یافتند. دولت هم اعلام کرده بود که تصمیم این کارگروه معتبر است. من یک روز بعد از امضای تشکیل این کارگروه که هنوز مصوبه دست کسی نرسیده بود، از امضا خبردار شدم و جلسه را تشکیل دادیم. معمولا جلسه اول چنین کارگروه‌هایی به تدوین آیین‌نامه، شیوه‌نامه، تعیین رئیس یا تصمیم‌گیری درباره محل دبیرخانه و... می‌گذرد. ما همه را فاکتور گرفتیم و گفتیم اینها را تهیه می‌کنیم و برای نظرخواهی به وزارتخانه‌های مرتبط ارسال خواهیم کرد. در موضوع اول، بحث خود را روی مسئله اصفهان گذاشتیم. همان روز یعنی ۱۳ اسفند، با حضور اعضای اصلی، منهای آقای شریعتمداری که عراق بود و معاون او در جلسه حضور یافته بود، مباحث مربوط به این استان بررسی شد. از طرفی استاندار اصفهان از دو ماه پیش برای اجرای همان تصمیم ۹ماده‌ای شورای عالی آب و همه تصمیمات خوبی که همیشه گرفته شده و در اجرا با مشکل مواجه شده است، طرح‌هایی تهیه کرده بود. پیش از این به آنها گفتیم که باید چارچوب طرح‌هایی که آماده می‌کنید، این باشد که به مسئله به‌عنوان پیداکردن راه‌حل پایدار توجه شود؛ یعنی باید بدانیم چه کار کنیم تا موضوع حل شود نه اینکه چگونه رفتار کنیم که امروز موضوع حل شود. در مصوبه دولت در زمینه تأسیس کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی، چند مسئله شاخص وجود دارد؛ یکی این بود که این کارگروه استان به استان طرح‌های موجود را بررسی می‌کند. در استان‌ها نیز یک کارگروه استانی تشکیل دادیم. گفتیم همان شورای حفاظت که در سال ۸۷ تشکیل شده بود، با اضافه‌کردن دو عضو جدید شامل مسئول صنعت و مسئول برنامه‌بودجه‌استان، به‌عنوان کارگروه استانی به کار خود ادامه دهند. طرح‌ها را تهیه

و بررسی کنند، اما طرح‌ها باید از سوی همه دستگاه‌ها پذیرفته شود و یک طرح مشترک باشد؛ زیرا آب یک مسئله واحد است. در استان نباید به صورت مجزا عمل کنیم. در استان اصفهان این کار انجام شده بود و در همان جلسه ۱۳ اسفند، استاندار طرح‌ها را ارائه داد. **✎ با توجه به محدودیت زمانی، اجازه‌بدهید سؤالی درباره خط انتقال آب اصفهان به یزد پرسیم. مردم اصفهان معتقدند دولت قرار بود با اجرای پروژه کوه‌رنگ ۳، آب به یزد منتقل کند؛ درحالی‌که بدون اجرای این پروژه، حق اصفهانی‌ها در حال باطل‌شدن است و آب به یزد انتقال پیدا می‌کند. این گفته‌ها صحیح است؟**

اجازه بدهید جواب سؤال قبلی را کامل کنم. اگر دنبال حل مسئله باشیم، باید یک‌جور برخورد کنیم و اگر دنبال این باشیم که هر روز به یک سؤال، جواب بله یا خیر بدهیم نیز می‌توانیم این‌کار را انجام دهیم. اما این لزوما به حل مسئله کمکی نمی‌کند. تأمین آب شرب وظیفه قانونی دولت است و اولویت هم دارد. در میان همه انواع مصارفی که برای آن وجود دارد، تأمین آب شرب اولویت دارد. هر جلسه‌ای که گذاشته می‌شود، اول به تأمین آب شرب توجه می‌شود بعد از آن سایر مصارف شامل کشاورزی، صنعت، محیط زیست و نظایر آن محل توجه قرار می‌گیرد. ما در جلسه ۱۳ اسفند، طرح‌های اصفهان را بررسی کردیم. منته‌ا مشکلی که وجود داشت و شاید یکی از دلایل اجرانشدن طرح‌های قبلی بود، کمبود منابع مالی بود؛ اجرای طرح‌ها بود؛ چون طرح‌هایی مانند ساماندهی رودخانه زاینده‌رود، تبدیل کشت‌های سنتی به گلخانه‌ای و استفاده از پساب تصفیه‌شده وجود داشت، اما اجرا نشده بود.

✎ اصفهانی‌ها مدعی هستند از نمان پساب تولیدشده در این شهر، استفاده می‌کنند. این ادعا صحت دارد؟ نه، این‌گونه نیست.

✎ چند درصد پساب در اصفهان استفاده می‌شود؟ درحال‌حاضر آمار اصفهان را در اختیار ندارم، اما در کل کشور چهارمیلیارد و ۳۰۰ میلیون مترمکعب پساب داریم و فقط یکمیلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمکعب آن

استفاده می‌شود. **✎ پس در اصفهان هم پساب‌هایی داریم که استفاده نمی‌شود؟**

بله. در همه‌جا داریم. طرح‌های مختلفی در اولین جلسه کارگروه ملی سازگاری با خشک‌سالی تصویب شد. علاوه بر مواردی که قبلا به آن اشاره کردم، کمک به فشارهای اقتصادی واردشده به کشاورزان به‌دلیل عدم دریافت آب هم در نخستین جلسه مطرح شد. وقتی خشک‌سالی حادث می‌شود، همه حقایه‌ها و سهامبه‌ها به نسبتی باید کاهش یابد. اگر بخشی به هر دلیلی توجیه داشت که سهمش متناسب با کم‌آبی کاهش نیابد، یعنی به بخش‌های دیگر فشار بیشتری می‌آید، بنابراین باید آن فشار بیشتر جواب بدهد و این جواب هم باید اقتصادی باشد. در این قضیه خاص، این فشار بیشتر به بخش کشاورزی وارد شده است. بخش شرب که به ضرورت باید نیازهایش تأمین شود. البته امسال در اصفهان ۱۰ درصد هم کاهش مصرف به بخش شرب داده شد. به همه مصرف‌کننده‌ها این کاهش داده شده.

✎ یعنی امسال در بخش شرب اصفهان شاهد جیره‌بندی آب خواهیم بود؟

وقتی می‌گوییم کاهش، اسمش جیره‌بندی نیست. کاهش یعنی اینکه مردم همراهی می‌کنند که مصرف آب را کمتر کنند؛ به‌جای اینکه شیر باز بماند تا بعد از شستن دستشان، صورتشان را هم شست‌شو بدهند. شیر را می‌بندند و دوباره باز می‌کنند. در زمان دوش گرفتن، مدت زیادی شیر را باز نمی‌گذارند و مکانیسم‌های دیگری را برای صرفه‌جویی به کار می‌گیرند. در همین راستا ۱۰ درصد مصارف شرب مشمول صرفه‌جویی قرار گرفت. در حوضه آبریز زاینده‌رود بحث اصلی بین صنعت و کشاورزی است. موضوعی که مطرح شد اینکه صنعت اگر می‌خواهد این کاهش مصرف ناشی از کم‌آبی، برای این بخش اعمال نشود، یعنی باید سهم آب کشاورزی به میزان بیشتری کاهش یابد. اینجا صنعت باید مشارکت کند. صنعت که حاضر است هزینه طرح‌های سنگین شیرین‌کردن آب شور دریا از صدها کیلومتر دورتر را بپردازد و در این حوزه برای تأمین نیازهایش سرمایه‌گذاری کند، طبیعتا باید آمادگی داشته باشد که همین آبی را که مصرف می‌کند با رقم بالاتری در اختیار داشته باشد تا درآمد‌های حاصل از آن بتواند برای اجرای طرح‌ها به کار گرفته شود.

اتفاقی که این‌بار افتاد و دفعه‌های قبل نیفتاده بود، این است که با این سازوکار جدید کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی، چارچوبی فراهم شد که صنایع بزرگ اصفهان و صنایع پرآب این شهر بتوانند در اجرای طرح‌های پایدارکردن آب برای صنعت مشارکت مالی داشته باشند.

✎ چه طرح‌هایی قرار است در اصفهان اجرا شود؟ همان طرح‌هایی که پیش‌تر گفته شد، در بخش کشاورزی پیگیری می‌شود.

✎ با این مصوبه بخش صنعت در حوزه کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌کند؟

صنعت منابع مالی را تأمین می‌کند، این طرح‌ها توسط کمیته استانی کارگروه ملی با نظارت استاندارد و برنامه بودجه و... اجرا می‌شود. درحال‌حاضر طرح‌های مفصلی تهیه شده است. در کارگروه ملی در این رابطه بحث شده و با حک و اصلاح‌هایی، طرح‌ها تأیید شده است و مباحث به نقطه‌ای رسیده که باید منابع مالی آن تأمین شود. این منابع مالی هم برای اجرای این طرح‌هاست. البته بخشی از این منابع مالی نیز امسال صرف کمک به کشاورزان و جبران مضیقهای می‌شود که برای کشاورزان شرق اصفهان ایجاد شده است.

✎ سهمی که صنعت گذاشته از نظر ریالی چقدر است؟

بر اساس برآوردهای کلی، صنعت در یک سال رقمی حدود ۵۰۰میلیارد تومان مشارکت خواهد کرد. البته ارائه عدد نهایی نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر و تقسیم‌بندی‌های لازم است.

✎ فکری می‌کنید صنعت این رقم را به بخش کشاورزی اختصاص بدهد؟

ما تردید نداریم که این اتفاق خواهد افتاد و انجام شد است. ۱۳ اسفند این بحث را در کمیته ملی سازگاری با خشک‌سالی داشتیم، ۱۶ اسفند این مصوبات به استاندارد ابلاغ شد. بلافاصله مذاکرات خود را با مدیرعامل فولاد مبارکه و ذوب‌آهن اصفهان به‌عنوان مسئول کارگروه ملی آغاز کردم. با حمایت و پشتیبانی وزیر صنعت، معدن و تجارت و شخص رئیس‌جمهور، این مسئله پیگیری شد. با فعالیتی که استاندار اصفهان به‌عنوان مسئول کارگروه استانی داشته است، تازمانی‌که با شما صحبت می‌کنم، یعنی ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر دوشنبه ۲۰ اسفند، مبالغ لازم برای توزیع بین کشاورزان و کمک به جبران این مضیقهای که برایشان در اصفهان فراهم شده، به حسابی که باید، واریز شده است.

✎ این حساب کجاست و توزیع منابع در اختیار چه کسی است؟ این حساب در بانک است و توزیع منابع در اختیار استاندارد است.

✎ آیا کاهش سطح زیرکشت در حوضه آبریز زاینده‌رود خواهیم داشت؟ تصمیمی در این زمینه گرفته شده است؟

این طرح‌ها، طرح‌هایی است که منجر به این خواهد شد که با آب موجود و با بهره‌وری بیشتر کشاورزی کرد. این مستلزم یک کار هماهنگ و مشترک بین جهاد کشاورزی، بخش آب، سازمان برنامه‌بودجه است. درحال‌حاضر هر سه دستگاه در اصفهان کاملا با هم هماهنگ هستند.

ادامه در صفحه ۵

بازتاب

پاسخ سازمان برنامه و بودجه به یک شبهه:

در بودجه سال ۱۳۹۶ هیچ‌گونه کسری وجود ندارد

● پیرو انتشار مطلبی با عنوان «دولت ۷۵ هزار میلیارد تومان کسر آورد» در روزنامه «شرق»، مرکز اطلاع‌رسانی، روابط‌عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه‌وبودجه کشور اعلام کرد:

۱- مقایسه ارقام پیشنهادی لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ (۳۲۰ هزار میلیارد تومان) و بودجه مصوب مجلس شورای اسلامی (۳۴۶ هزار میلیارد تومان) نشان می‌دهد که مبلغ ۲۶ هزار میلیارد تومان در جریان رسیدگی و تصویب قانون بودجه سال۱۳۹۶ به پیش‌بینی منابع اضافه شده است که عمدتا قابل وصول نبوده و در زمره کسری دولت لحاظ شده است.

بر اساس میزان تحقق منابع در ۱۱ماهه سال جاری و منابع قابل تحقق برای اسفندماه ۱۳۹۶، با توجه به وضعیت مشابه سال‌های قبل، تحقق حداقل ۳۲۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی می‌گردد که دقیقا معادل لایحه پیشنهادی دولت به مجلس شورای اسلامی برای بودجه سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

۲- در گزارش روزنامه مزبور، خالص تراز عملیاتی به‌عنوان کسری بودجه تلقی شده و لذا عنوان شده است که دولت‌های پیش از دولت دهم، از ارائه متمم بودجه به مجلس و تصویب آن به منظور تأمین کسری بودجه استفاده می‌کرده‌اند.

این در حالی است که اولاً خالص تراز عملیاتی، کسری بوده تلقی نمی‌گردد و لذا نیازی به تدوین متمم بودجه نمی‌باشد.

ثانیاً یکی از اقلام منابع تأمین مالی بودجه، واگذاری دارایی‌های ملی می‌باشد که قانون‌گذار محترم نیز آن را تصویب کرده است.

۳- همان‌طوری که در بند قبلی گفته شد، واگذاری دارایی‌های مالی یکی از اقلام منابع تأمین مالی بودجه عمومی دولت به حساب می‌آید که بخش عمده آن به انواع اوراق مالی اسلامی (اوراق مشارکت، اسناد خزانه، صکوک (...)) تعلق دارد که با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس محترم شورای اسلامی انتشار و به فروش می‌رسد که قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور را نیز شامل می‌شود.

۴- در سال‌های اخیر استفاده دولت از ظرفیت بازار بدهی و انتشار اوراق بهادار با رویکرد تأمین مالی طرح‌های عمرانی کشور و تسویه بدهی‌های مربوط به این بخش بوده است. این امر به گونه‌ای بوده که در سال ۱۳۹۵ پرداخت مطالبات پیمانکاران بابت اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مصارف مشابه عمرانی بیش از ۷۵ درصد کل ارزش اوراق بهادار دولتی را به خود اختصاص داده است.

همچنین عملکرد اوراق بهادار دولتی در سال ۱۳۹۶ و پیش‌بینی انتشار اوراق با پایان سال، نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد از حجم اوراق صرف طرح‌های عمرانی کشور و تسویه بدهی‌های مربوط به پیمانکاران این طرح‌ها خواهد شد.

از سوی دیگر، استفاده از ظرفیت اوراق بهادار در قوانین بودجه سنواتی برای تأمین مالی هزینه‌های غیرعمرانی که عموما از طریق صکوک مراحله عملی شده، بیشتر بابت خرید تضمینی محصولات کشاورزی و پرداخت‌های مربوط به تأمین اجتماعی و بیمه سلامت می‌باشد که از اولویت‌های اقتصادی کشور به‌شمار می‌روند و توجه فوری به آنها ضروری می‌باشد. همچنین دولت با آگاهی کامل نسبت به خطرات ناشی از انتشار بدون برنامه اوراق مالی و عا‌ل به اینکه انتشار این‌س اوراق می‌تواند در سال‌های آینده موجب افزایش بار مالی برای سال‌های آینده شود، ضمن بهره‌گیری از تجربیات بازار بدهی محصولات کشاورزی و پرداخت‌های مربوط به تأمین اجتماعی و بیمه سلامت می‌باشد که از اولویت‌های اقتصادی کشور به‌شمار می‌روند و توجه فوری به آنها ضروری می‌باشد. همچنین دولت با آگاهی کامل نسبت به خطرات ناشی از انتشار بدون برنامه اوراق مالی و عا‌ل به اینکه انتشار این‌س اوراق می‌تواند در سال‌های آینده موجب افزایش بار مالی برای سال‌های آینده شود، ضمن بهره‌گیری از تجربیات بازار بدهی کشورهای پیشرفته به استفاده از مدل استاندارد صندوق بین‌المللی پول در انتشار اوراق بدهی، اقدام نموده است.

بر این اساس دولت با یک نگاه میان‌مدت و درنظرگرفتن افق زمانی پنج‌ساله در انتشار اوراق بدهی، فرایند انتشار اوراق و نرخ‌های سود هریک از انواع اوراق را به گونه‌ای در سال‌های آینده برنامه‌ریزی کرده است که پایداری بدهی دولت در سال‌های آتی حفظ شود. بر این اساس دولت در برنامه‌ریزی خود از تمام ظرفیت کارشناسی سازمان برنامه‌وبودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی جهت جلوگیری از مخاطرات بودجه استفاده کرده است. لذا برخلاف موارد مطرح‌شده در گزارش روزنامه مزبور، انتشار انواع اوراق مالی به لحاظ پرداخت سود و اصل آن برنامه‌ریزی شده و تاکنون تمامی مبالغ مربوط به آنها کاملا پرداخت شده است.

۵- با توجه به نوسان وصول درآمدها در طی ماه‌های سال و به جهت جلوگیری از رکود فعالیت‌های جاری و عمرانی دولت، استفاده از نتخواه‌گردان خزانه در اجرای ماده ۲۴ قانون محاسبات، همه‌ساله مورد استفاده بوده که با توجه به بهبود تحقق درآمدها در اسفندماه، در پایان سال توسط خزانه‌داری کل کشور تسویه می‌شود. بنابراین استفاده از نتخواه‌گردان خزانه به‌منزله وجود کسری نمی‌باشد.